

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۷/۲۹  
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۱۵  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۲/۰۳

مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز  
پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره ی ششم، سال ۱۷-۲  
شماره های ۳ و ۴، صص: ۵۱-۷۶

## بررسی عامل های مؤثر بر گرایش دینی دانش آموزان و آرایه ی راهکارهای مناسب (مورد مطالعه: دانش آموزان مقطع متوسطه شهر ارومیه)

محمد عباس زاده \*

حسن خراطیان خامنه \*\*

کاظم عباسی \*\*\*

مرتضی مبارک بخشایش \*\*\*\*

### چکیده

مقاله حاضر، با هدف شناسایی عامل های مؤثر بر گرایش دینی دانش آموزان، نگاشته شده و در نظر دارد راهکارهای عملی برای این موضوع آرایه نماید. روش تحقیق، پیمایشی بوده و برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته، تعداد ۴۳۴ نفر با شیوه نمونه گیری طبقه یی، از بین دانش آموزان نواحی دوگانه آموزش و پرورش شهر ارومیه، به عنوان نمونه نهایی انتخاب و به پرسشنامه های تهیه شده، پاسخ گفته اند. بر اساس یافته های تحقیق که از طریق نرم افزار SPSS17 حاصل آمده است، میزان گرایش دینی دانش آموزان، متوسط به بالا بوده و در این میان، متغیرهای «مذهبی بودن والدین، عملکرد متولیان امور مذهبی و عامل سیاسی»، بیش از سایر متغیرها بر گرایش دینی دانش آموزان، تأثیرگذار بوده اند.

**واژه های کلیدی:** دانش آموزان، گرایش دینی، مذهبی بودن والدین، عملکرد متولیان امور مذهبی، عامل های اجتماعی

m.abbaszadeh1@yahoo.com

\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

\*\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

\*\*\*\* مربی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

## مقدمه

از نظر دینداران که صرفاً از منظر ارزشی و درونی به دین می‌نگرند، دین<sup>۱</sup>، عبارت است از مجموعه‌ی از ایمان و عقاید حق و تکالیف جمعی و فردی و ارزش‌های اخلاقی که بر بنیاد پیش فرضی به نام «خدا»، پدید آمده و دینداران، کسانی هستند که به این مجموعه معتقدند. در نظر دین باوران، دین امری است حق و درست که ریشه در آسمان داشته و هدف غایی آن، رستگاری آدمی در این جهان و در جهان آخرت است. از نظر ما، به عنوان مسلمان، و با الهام از قرآن و دیگر منابع اسلامی، دین عبارت است از مجموعه‌ی از ایمان قلبی، عقاید نظری و احکام عملی، حول محور توحید و یکتا پرستی که از سوی خداوند و از طریق پیامبر، به آدمیان عرضه شده و هدف غایی آن، فلاح و رستگاری آدمیان در دنیا و آخرت است (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۳). از منظر اندیشمندان غیرمسلمانی چون ملفورد اسپرو<sup>۲</sup>، دین نهادی است، متشکل از تأثیر و تأثرات متقابل فرهنگی که با یک سلسله هستی‌های مافوق انسانی که از لحاظ فرهنگی مسلم پنداشته شده‌اند، شکل داده شده است<sup>۳</sup>. توماس لاکمن<sup>۴</sup>، نیز دین را به عنوان «یک امر مسلم قوم‌شناسانه‌ی کلی و جهانی به حساب می‌آورد که در آن، تعالی یافتن انسان از طبیعت بیولوژیکی‌اش را مشاهده می‌کند» (لاکمن، ۴، ۱۹۶۷: ۴۹).

جوامع در حال توسعه، بطور مستمر با فرایند تغییر همراه هستند. این تغییرها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سایر موارد رخ می‌دهد. یکی از این تغییرات غیر قابل انکار در جامعه، تغییر در نگرش‌ها و گرایش‌های مذهبی است. کشور ما، ایران نیز، یکی از این جوامع در حال تغییر می‌باشد که همه چیز، خصوصاً دین در معرض تحول شگرفی قرار گرفته است. در مقطع حاضر هم چون نظام حاکم، اسلامی بوده و اصلی‌ترین دغدغه‌ی خود را ادامه‌ی حیات و اجرای احکام مبین اسلام معرفی می‌کند، بسیار طبیعی است که نسبت به تغییر در گرایش‌های مذهبی دانش‌آموزان که بدنه‌ی اصلی ملت را تشکیل می‌دهند، حساسیت خاصی نشان دهد؛ چرا که دین دارای کارکردهایی است. از دیدگاه جامعه‌شناختی دورکیم<sup>۵</sup>، چهار کارکرد عمده‌ی دین در «انضباط‌بخشی، انسجام‌بخشی، حیات‌بخشی و

- 
- 1- Religion
  - 2- M. Spiro
  - 3- T Luckmann
  - 4- Luckman
  - 5- Durkheim

خوشبختی بخشی است» (کوزر<sup>۱</sup>، ۱۳۶۸: ۲۰۰). از منظر روانشناختی نیز، اهمیت گرایش به دین در تأمین بهداشت روانی انسان‌ها، معنی بخشی به زندگی و حیات بخشی به جامعه می‌باشد (لونتال و سینریلا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹ و گوستاویونگ<sup>۳</sup>، ۱۳۵۲). حال با توجه به اینکه دین در توسعه و نگهداشت رفتارهای اخلاقی و انگیزش‌های دیگر خواهانه<sup>۴</sup> نظیر تحمل<sup>۵</sup>، شکیبایی<sup>۶</sup>، صداقت<sup>۷</sup> و اطاعت از خدا<sup>۸</sup> کارکردهایی اساسی دارد (هود<sup>۹</sup> و دیگران، ۱۹۹۶)، به نظر می‌رسد درگیر کردن فرزندان در امور دینی (کورن وال و توماس<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۰) می‌تواند در آینده به وحدت و انسجام جامعه بیانجامد. جان کلام اینکه جامعه ما جامعه‌ی دینی است و گردانندگان فردای آن، همین دانش‌آموزان امروزی خواهند بود، فلذا جهت شناسایی علل گرایش دینی در بین دانش‌آموزان و آرایه راهکارهای عملی در جهت جذب آنان به باورهای دینی، انجام چنین تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد. حال با عنایت به موارد یاد شده، سؤالات اساسی این است که اولاً، تا چه اندازه دانش‌آموزان، به دین علاقه‌مند هستند؟ و ثانیاً چه عامل‌هایی با گرایش دینی دانش‌آموزان در ارتباطند؟ در این تحقیق، سعی بر این است که به سؤالات مذکور، پاسخ علمی داده شود.

### پیشینه‌ی تحقیق

نظریه‌های جامعه‌شناختی در مورد دین، معمولاً به پیدایش گرایش دینی در افراد نپرداخته‌اند، بلکه، اصولاً، آنها در بحث از دین به عنوان پدیده‌ی اجتماعی، از جامعه و نحوه‌ی پیدایش دین در جامعه و رابطه‌ی آن با سایر نهادهای اجتماعی و مسائلی از این قبیل شروع کرده‌اند. از این رو، واحد تحلیل آنان در بحث‌هایشان از دین، جامعه است نه افراد. نظریه‌های روان‌شناختی نیز در مورد نحوه‌ی پیدایش دین، فرد را واحد تحلیل خود گرفته‌اند و بر

- 1- Coser
- 2- Loewenthal & Cinnirella
- 3- Gustav Jung
- 4- Altruistic
- 5- tolerance
- 6- patience
- 7- honesty
- 8- obedience to God
- 9- Hood, Spilka, Hunsber, & Gorsuch
- 10- Cornwall & Tomas

نیروهای درونی فرد تأکید کرده‌اند. نظریه‌ی روانی در پیدایی ادیان، یکی از این نظریات است که معتقد است؛ در آغاز زندگی اجتماعی و حیات فکری انسان، به علت جهل و نادانی انسان ابتدایی به علل حوادث طبیعی، نوعی ترس و حیرت و ناامیدی در ذهن کودکانه‌ی آنها پیدا می‌شده و چون چاره‌ی در برابر آن حوادث نمی‌یافتند، به ناچار سر تسلیم فرود می‌آوردند و متقابلاً، یعنی در برابر ترس، شروع به تقدیس و نیایش بعضی مظاهر طبیعت می‌نمودند (فضایی، ۱۳۵۳: ۸۳). در همین اثنا، فروید و یونگ<sup>۱</sup>، رفتار مذهبی را اساساً به عنوان واکنش مردان و زنان به ویژگی‌های محیطشان، خواه طبیعی یا اجتماعی، می‌دانند. محیطی که از سازگاری با آن به شیوه‌ی معمول، باز می‌مانند. فروید مذهب را ناشی از بی‌باوری انسان در مواجهه با «سرنوشت» و «فرهنگ» می‌داند. در همین راستا به نظر برخی از دانشمندان، فقدان یک مکانیسم واکنشی مناسب موجود، منجر به رفتار مذهبی می‌شود که خود سبکی از توانایی واکنشی به موقعیت بوده و ناشی از ناکامی است (بلالی، ۱۳۷۷).

هر دو وجه نظریات، چه جامعه‌شناختی و چه روانشناختی از یک بعد قضیه غفلت می‌کنند. جامعه‌شناسان از خود فرد و انگیزه‌ها و گرایش‌های وی و روان‌شناسان از بعد اجتماعی قضیه، غفلت می‌ورزند. توجه به دو بعد قضیه‌ی گرایش (و به طور خاص، گرایش دینی) مستلزم رویکرد یا رویکردهایی است که ضمن توجه به فرد، به جامعه و نیروهای اجتماعی نیز توجه نماید. رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی، از آن دسته رویکردهایی هستند که هر دو وجه قضیه را در نظر می‌گیرند و به هر دو بعد قضیه، توجه نشان می‌دهند. از همین رو، برای بحث در مورد گرایش دینی، شروع بحث از رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی، لازم و مفید خواهد بود.

«افراد، به جهان اجتماعی، واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند. این واکنش‌ها، گاه مثبت و گاه منفی بوده و با محیط اجتماعی در ارتباط می‌باشند. ابعادی را که می‌توان برای گرایش‌ها متصور شد، عبارتند از بُعد عاطفی<sup>۲</sup>، بُعد شناختی<sup>۳</sup> و بُعد رفتاری<sup>۴</sup>. بُعد عاطفی در برگیرنده احساسات مثبت و منفی کنشگر، بُعد شناختی، شامل باورها و تفکرات کنشگر و بُعد رفتاری،

- 
- 1- Freud & Carl Gustav Jung
  - 2- affective component
  - 3- cognitive component
  - 4- behavioral component

در برگیرنده کنش‌های آشکار و نیات رفتاری کنشگر می‌باشند. بیشتر گرایش‌ها تحت تاثیر تجربه مستقیم کنشگران شکل می‌گیرد؛ به عبارتی تعدد تجارب و تکرار آنها باعث افزایش گرایش افراد به موضوع یا پدیده خاصی می‌گردد» (هدسترم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۳۸). نظریه‌های متعددی برای تبیین اینکه چگونه گرایش‌ها، رفتار ما را شکل می‌دهند مطرح گردیده است.

### نظریه دی.بی.او<sup>۲</sup>

خواسته‌ها، باورها و امکانات، متغیرهایی هستند که در تحلیل کنش و واکنش افراد بسیار حیاتی می‌نمایند. یعنی اینکه کنش با توجه به سه متغیر مذکور صورت می‌پذیرد. باورها اشاره به این دارند که کنشگر به هنگام کنش، به صحت عمل خود ایمان دارد. خواسته‌ها در برگیرنده آرزوهای یک فرد هستند. امکانات در برگیرنده مجموعه‌یی از آلترناتیوهای کنش بوده که می‌تواند به صورت مستقلانه‌یی از باورهای کنشگران صورت پذیرند (هدسترم، ۲۰۰۵: ۳۸).

باورها و خواسته‌ها، وقایع ذهنی هستند که شرایط را برای بروز کنش فراهم می‌سازند. همان طوری که ون رایت<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) مطرح کرده، خواسته‌ها و باورها، برای انجام کنش شرط ضروری محسوب می‌گردند. خواسته‌ها و باورها به عنوان محرک‌های انگیزشی در تبیین کنش به شمار می‌آیند. علت یک کنش وابسته به مجموعه‌یی از خواسته‌ها، باورها و امکاناتی است که در بستر خاص خود، می‌تواند عملی گردد. مکانیسم‌های یک کنش از منظر اینکه چگونه با یکدیگر در ارتباط می‌باشند، دارای شرایط مخصوص خود بوده و متفاوت از همدیگر می‌باشند. نه تنها خواسته‌ها، باورها و امکانات به عنوان علت کنش توصیف می‌شوند، بلکه بین آنها رابطه علی نیز وجود دارد. و الستر<sup>۴</sup> نیز (۱۹۷۹) مطرح کرده است، آنچه که در ذهن کنشگر تأثیر می‌گذارد، نتیجه روابط علی موجود بین خواسته‌ها، باورها و امکانات است. یکی از دلایل استفاده از نظریه مذکور این است که این نظریه در برگیرنده مفاهیم عمده پدیدارشناختی نیز هست. بنابراین، ما می‌توانیم به عمق حالت‌های ذهنی افراد پی برده و تا حد زیادی بتوانیم رفتار آنان را پیش‌بینی کنیم (نقل در هدسترم، ۲۰۰۵: ۳۸).

- 
- 1- Hedstrom
  - 2- Desires, Belief, & Opportunities (DBO)
  - 3- Von wright
  - 4- Elester

**نظریه فازیو<sup>۱</sup>:** فازیو، به فرایندهای شناختی کنترل شده و اتوماتیک اشاره دارد. به نظر ایشان، فرایندهای شناختی کنترل شده، رابطه بین گرایش - رفتار را تقویت می نماید. بنابراین، اطلاعات در این میان، نقش اساسی دارد (یوری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰).

**نظریه خود ادراکی بیم<sup>۳</sup>:** این نظریه که بیشتر عقلانی است، در برگیرنده رهیافت پردازش اطلاعات است. فرض اصلی در نظریه مذکور، این است که رفتار ما در موقعیت‌هایی شکل می گیرند که در آن موقعیت، می توانیم آزادانه عمل نماییم (یوری، ۲۰۰۰).

بر خلاف نظریه‌های قبلی که مستقیماً گرایش‌ها را تأثیرگذار در شکل گیری رفتار می پنداشتند، در نظریه فیش باین و آیزین<sup>۴</sup>، گرایش‌ها به طور مستقیم بر رفتار تأثیر ندارند؛ بلکه گرایش‌ها بر نیت ما تأثیر می گذارند و این نیت است که رفتار ما را شکل می دهند (یوری، ۲۰۰۰). به عبارتی، بر اساس نظریه فیش باین و آیزین، رفتار تابع قصد و نیت است و قصد و نیت به رفتار، خود تابع گرایش به سوی آن رفتار (تابع انتظار فایده و ارزیابی فایده) و هنجار ذهنی<sup>۵</sup> (تابع انتظارات افراد مهم یا انتظارات دیگران و انگیزه برای پیروی از انتظارات دیگران) است (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۸۷). متغیر مذکور به دو عامل تجزیه می شود:

الف) این انتظار که یک رفتار خاص از سوی سایر افراد مهم گروه چگونه ارزیابی می شود (انتظار دیگران)؛

ب) انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران (میزان اهمیتی که فرد برای نظر مردم درباره‌ی رفتار خود قائل است).

ساپ و هارود<sup>۶</sup>، در کنار دو متغیر مطرح شده در تئوری فیش باین و آیزن، متغیر دیگری به نام «پذیرش اجتماعی»<sup>۷</sup> را در نظر گرفته‌اند و معتقدند انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت مؤثر است. در حقیقت می توان گفت منظور ساپ و هارود از متغیر «پذیرش اجتماعی» همان گروه مرجع می باشد. ساپ و هارود برای متغیر هنجارهای ذهنی دو معرف، نظر اولیا و

- 
- 1- Russel Fazio
  - 2- Urry
  - 3- Bem
  - 4- Fish bein & Ajzin
  - 5- Norm Subject
  - 6- Sapp & Harrod
  - 7- Social acceptability

نظر دوستان را انتخاب کرده‌اند (به نقل از رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۳). این بخش از تئوری مذکور، با بخشی از تئوری آلپورت<sup>۱</sup> که نقش تقلید احتمالی یک شخص از پدر یا استادان خود و دیگران را در گرایش به موضوعی، مؤثر می‌داند (کلاین برگ، ۱۳۵۱: ۵۱۱)، همخوانی دارد.

کیکولت<sup>۲</sup> به نقش پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد در شکل‌گیری گرایش‌ها اشاره کرده و متغیرهایی نظیر جنس و نوع شغل والدین افراد را از موارد مهم در تکوین گرایش‌ها، دانسته است. ایشان، معتقدند که تشابه گرایش‌ها یا افراد نسبت به موضوعات و پدیده‌های اجتماعی در درون گروه‌ها، از موقعیت‌های مشترکی که در زندگی برای آنها ایجاد شده است، نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، این گرایش‌ها، نتیجه‌ی روابط متقابل گروه‌ها با یکدیگر و نیز با نهادهای اجتماعی است (قاضی و ودادهیر، ۱۳۷۶). کرچ و کراچفیلد و بالاچی<sup>۳</sup> (۱۳۷۴)، عامل مختلفی را در تکوین گرایش‌ها، مؤثر دانسته‌اند، که از آن جمله می‌توان به ارضای نیازهای شخصی و تعلق گروهی اشاره کرد.

با توجه به اینکه یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده هر گرایشی، عنصر ادراکی یا میزان شناختی که فرد از موضوع دارد، می‌باشد، می‌توان عناصر مؤثر در شکل‌گیری یک کنش را به صورت ذیل فهرست نمود:

انتظاری که افراد در مورد نتیجه‌های یک کنش دارند؛ ارزیابی که از نتیجه‌های کنش می‌نمایند؛ میزان اطلاعاتی که از ابعاد آن کنش دارند؛ تصویری که از ارزیابی دیگران در مورد کنش دارند؛ انگیزه فرد برای برآوردن توقعات دیگران؛ میزان اقدام به کنش در گذشته (سوابق فرد در زمینه‌ی مشارکت) و امکانات و وسایل لازم برای عملی ساختن کنش (فردرو و رضوانی، ۱۳۸۱).

حال در راستای چهارچوب نظری و موضوع مورد مطالعه، تحقیقاتی نیز در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌گردد:

بلالی در سال ۱۳۷۷، تحقیقی با عنوان «سنجش گرایش دینی دانشجویان روزانه‌ی دانشگاه تبریز و بررسی نقش یادگیری اجتماعی در آن»، انجام داده است. در این تحقیق، از روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه‌ی کتبی نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شده است.

1- Alpor

2- Kiecolt

3- Kerch, Crutchfield & Balochi

بخشی از نتایج تحقیق ایشان، عبارتست از اینکه عامل‌هایی از قبیل عامل‌های اقتصادی، محل سکونت و بُعد خانواده، بر میزان گرایش دینی دانشجویان تأثیرگذار بوده‌اند (بلالی، ۱۳۷۷).

پژوهشی در زمینه‌ی «نگرش‌های سیاسی - مذهبی جوانان ذکور تهران (۱۷ تا ۲۲ ساله) و عامل‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن»، توسط صباغ‌پور، انجام یافته است. بخشی از نتیجه‌های تحقیق از این قرار است که عامل‌های اجتماعی در گرایش دینی تأثیرگذارند (صباغ‌پور، ۱۳۷۳).

ملکی در سال ۱۳۷۵ با مطالعه «بررسی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان (دانش‌آموزان ذکور سال سوم رشته‌ی ریاضی فیزیک و تجربی در تهران)، به این نتیجه رسیده است که، بین تحصیلات پدر و مادر و درآمد ماهیانه‌ی خانواده و نوع شغل پدر با گرایش به ارزش‌های مذهبی، رابطه‌ی معکوس (منفی) وجود داشته است (ملکی، ۱۳۷۵).

تحقیقی تحت عنوان «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی» در سال ۱۳۸۰، توسط سراج‌زاده و توکلی صورت گرفته است. حجم نمونه این پژوهش، ۳۹۱ نفر بوده و برای سنجش میزان دینداری دانش‌آموزان، از مدل گلاک و استارک<sup>۱</sup> بهره برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دبیرستانی حاضر در این نمونه، در مجموع، دارای علائق و گرایش‌های دینی بالایی هستند. میانگین نمره‌ی دینداری کلی هم ۳/۵۷ از ۵ بود. از نتیجه‌های دیگر این تحقیق، رابطه‌ی معکوس بین طبقه‌ی اجتماعی و دینداری است. همچنین رابطه‌ی بین جنسیت و دینداری در تحقیق مذکور، به تأیید نرسیده است (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰).

تحقیق دیگری با عنوان «بررسی میزان دین‌گرایی و ایمان دینی در بین دانشجویان» در سال ۱۳۸۰، توسط مرجایی صورت گرفته است. از جمله نتیجه‌های مهم آن این است که دانشجویان، به لحاظ اعتقادات دینی، یعنی رعایت شعائر و مناسک دینی که بر جنبه‌ی فردی دینداری دلالت دارد، در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشته‌اند (مرجایی، ۱۳۸۰).

در پژوهشی که خراطیان خامنه با موضوع «بررسی میزان گرایش دینی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز و عوامل مؤثر بر آن» ۱۳۸۲ در بین دانشجویان دانشگاه تبریز انجام داده به این نتیجه رسیده است که «عامل خانواده»، «عملکرد مبلغین مذهبی» و «عملکرد مسئولین» بر گرایش دینی دانشجویان اثرگذار بوده‌اند (خراطیان خامنه، ۱۳۸۳: چکیده).



جدابابایی بهبهانی تحقیقی را با عنوان نقش شبکه‌های فردی در شکل‌گیری گرایش دینی دانشجویان در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه الزهرا با نمونه ۳۱۳ نفر انجام داده‌اند. نتیجه‌های تحقیق ایشان نشان داد که عامل‌های فردی و شبکه‌یی در گرایش دینی دانشجویان تأثیرگذار بوده‌اند (جدابابایی بهبهانی، ۱۳۸۵: چکیده).

عملکرد خانواده‌ها، گرایش‌های مذهبی خانواده‌ها و نقش مدارس، در گرایش دینی جوانان تأثیر به‌سزایی دارد. به همین منظور، اشمیت<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، در تحقیقاتی که انجام داده به این نتیجه رسیده بود که عملکرد مدرسه در گرایش دینی دانش‌آموزان تأثیرگذارند. محققین دیگری نیز مانند هود<sup>۲</sup> و دیگران در نتیجه تحقیقات خود دریافتند که تأثیر عملکرد و ارزش‌های والدین در گرایش دینی فرزندانشان حیاتی است (نقل در هود و دیگران، ۱۹۹۶).

در پژوهشی که شاه<sup>۳</sup> تأثیر گرایش‌های مذهبی و آموزش‌های مذهبی والدین را بر رفتارهای مذهبی جوانان در کشور مالزی بررسی کرده، به این نتیجه رسیده بود که گرایش‌های مذهبی والدین، آموزش‌های مذهبی و ... در رفتارهای اخلاقی جوانان تأثیرگذار بوده‌اند (شاه، ۲۰۰۴: چکیده).

بر اساس بخشی از نتیجه‌های تحقیق آدامزیک<sup>۴</sup> دوستان مذهبی در کنش‌های گرایشی دانش‌آموزان تأثیرگذارند (آدامزیک، ۲۰۰۹: چکیده). در مجموع نتایج سایر تحقیقات خارجی نشان می‌دهد که هویت دینی جوانان تا حد زیادی به والدین‌شان (اریکسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲) و نوع رابطه‌ی آنان با فرزندانشان بستگی دارد (الوی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳).

#### اهداف تحقیق

برآورد میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، به تفکیک متغیرهای زمینه‌یی نظیر جنس، رشته تحصیلی و ... تعیین رابطه بین متغیرهای مذهبی بودن والدین، عملکرد متولیان امور مذهبی، عامل‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با متغیر گرایش دینی دانش‌آموزان.

- 1- Schmidt
- 2- Hood
- 3- Shah
- 4- Amy Adamczyk
- 5- Erickson
- 6- Alwi

### سؤالات تحقیق

میزان گرایش دینی دانش آموزان در چه حدی است؟  
در بین متغیرهای مورد بررسی، کدام متغیر بالاترین و کدامیک کمترین تأثیر را بر گرایش دینی دانش آموزان داشته اند؟

### فرضیه های تحقیق

- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک جنس متفاوت است.
- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک رشته تحصیلی متفاوت از هم است.
- بین میزان تحصیلات مادر و میزان گرایش دینی دانش آموزان، رابطه ی معنی داری وجود دارد.
- بین مذهبی بودن والدین و میزان گرایش دینی دانش آموزان، رابطه ی معنی داری وجود دارد.
- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک نوع شغل مادرانشان، متفاوت از هم است.
- بین میزان درآمد ماهیانه خانواده دانش آموزان، و میزان گرایش دینی دانش آموزان، رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین عوامل اجتماعی و فرهنگی و میزان گرایش دینی دانش آموزان، رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین عامل سیاسی و میزان گرایش دینی دانش آموزان، رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین عملکرد متولیان امور مذهبی و میزان گرایش دینی دانش آموزان، رابطه معنی داری وجود دارد.
- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک پایه تحصیلی آنان، متفاوت از هم است.
- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک ناحیه محل تحصیل آنان، متفاوت از هم است.
- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک شغل پدر دانش آموزان، مورد مطالعه، متفاوت از هم است.
- میزان گرایش دینی دانش آموزان، به تفکیک نوع مسکنی که در آن سکونت دارند، متفاوت از هم است.

- بین میزان گرایش دینی دانش‌آموزان و سطح تحصیلات پدر دانش‌آموزان مورد مطالعه، رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین میزان گرایش دینی دانش‌آموزان و تعداد اعضای خانواده آنان، رابطه معنی داری وجود دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

#### روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایشی بوده است.

#### جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان متوسطه دختر و پسر به تعداد ۳۶۷۱۸ نفر بوده است. که از این تعداد، ۴۳۴ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شده است.

$$n = \frac{Nd^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{36718 * (1.96)^2 * .285}{(36718 * .05^2) + (1.96^2 * .285)} = 434$$

#### ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. فرآیند عملی کردن مفاهیم و ساخت شاخص‌های مناسب با استفاده از شاخص‌سازی بر اساس مطالعه مقدماتی و اسنادی انجام شده و در نهایت شاخص‌های ایجاد شده، در مقیاس طیف لیکرت (در سطح رتبه‌بندی) طرح گردیده‌اند. در خصوص اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری، می‌توان گفت که پرسشنامه مقدماتی، ابتدا به تعدادی از متخصصین مربوطه، ارجاع گردیده و نهایتاً اعتبار محتوایی وسیله اندازه‌گیری با حذف و اصلاح تعدادی گویه‌ها، حاصل شده است.

#### پایایی ابزار تحقیق

برای بررسی پایایی گویه‌های مرتبط با متغیرهای مستقل و وابسته، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار ضریب مذکور در گویه‌های مرتبط با هر یک از متغیرها،

بالتر از ۶۰٪ بوده که نشان از پایداری درونی بالای بین گویه‌ها داشته است.

### تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

تعریف در نظر گرفته شده برای متغیر گرایش دینی (متغیر وابسته)، بر گرفته از بخش نظری تحقیق است. بر این اساس، گرایش دینی در بر گیرنده گرایش عمقی به باورهای دینی و عمل به آن در چهارچوب هنجارهای رایج و پذیرفته شده در جامعه می‌باشد. به عبارتی منظور، اندازه‌ی تمایلات و آمادگی‌های ذهنی و جسمی دانش‌آموزان برای مشارکت در برگزاری و اجرای مناسک و شعایر دینی است که با معرف‌های «علاقه و عمل به انجام اعمال و رفتارهایی مثل خواندن نماز، گرفتن روزه، شرکت در مراسم دینی مثل نماز جمعه و مشارکت در اعیاد دینی یا سوگواری‌های مذهبی، دیدار با بزرگترهای فامیل در عید قربان و عید فطر، رعایت حلال و حرام شرعی، اعتقاد به دعا و مناجات» در سطح سنجش فاصله‌ی مورد آزمون قرار گرفته است. در مجموع، نمرات معرف‌های یاد شده نمره‌ی نهایی گرایش دینی را تشکیل داده‌اند.

برای سنجش عامل‌های اجتماعی و فرهنگی، معرف‌های «فضای حاکم بر جامعه (جو هنجاری جامعه): «دین‌گريزانه» یا «دین‌گرایانه» بودن جامعه، تمایلات عمومی افراد جامعه به دین، نگرش عموم به مذهب و مذهب‌یون مثل تأیید و اهمیت یا تمسخر آنها، ارزش‌های همتایان» و مواردی مانند آن مطرح بوده که در سطح سنجش فاصله‌ی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

برای سنجش عامل سیاسی، معرف‌های «صداقت مسئولین، تطابق بین گفتار و عمل مسئولین و به فکر مردم بودن آنان» داده شده بود که در نهایت سازه مذکور، پس از جمع نمرات گویه‌های مرتبط با هر یک از معرف‌های یاد شده، در سطح سنجش فاصله‌ی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

برای بررسی و سنجش متغیر عامل خانوادگی، متغیرها و معرف‌های چندی همچون سطح تحصیلات پدر، سطح تحصیلات مادر، تعداد اعضاء خانواده، که دارای ماهیت کمی هستند و نیز شغل پدر و مادر که در دو طبقه به صورت اسمی کدگذاری شده‌اند، مورد مطالعه قرار

گرفتند. همچنین از معرف‌های مذهبی و غیر مذهبی بودن خانواده، باسواد و بی‌سواد بودن والدین نیز برای سنجش متغیر یاد شده استفاده شده است.

منظور از متولیان امور مذهبی، رسانه‌ها، مطبوعات، مبلغین دینی، معلمان و مخصوصاً معلمان پرورشی در مدارس بوده‌اند که برای سنجش آنها معرف‌های «حضور و سخنرانی افراد واجد صلاحیت در رسانه‌ها و مدارس به مناسبت‌های مذهبی، محتوای مذهبی فیلم‌های تلویزیونی، میزان پرداخت مطبوعات به امور دینی، عملکرد برگزارکنندگان هیئت‌های مذهبی» و مواردی نظیر آن طرح شده بود. در مجموع، هدف از طرح متغیر یاد شده، بررسی میزان تناسب گفتار و رفتار متولیان نهادهای دینی و مبلغان مذهبی و میزان پاسخگویی آنان به نیازهای نسل جدید و سؤالات مطرح شده از سوی آنان بوده است. متغیر مذکور در سطح سنجش فاصله‌ی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

برای بدست آوردن تصویری از وضعیت اقتصادی پاسخگویان و در نهایت مطالعه تأثیر آن بر میزان دینداری دانش‌آموزان دو متغیر منزل مسکونی و میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان مورد پرسش قرار گرفت.

طیف غالب اندازه‌گیری متغیرهای پرسش‌نامه، طیف شش درجه‌ی لیکرت بوده که معادل‌های عددی در نظر گرفته شده بر آن از یک (کاملاً مخالفم) تا شش (کاملاً موافقم) بوده است.

### روش تحلیل داده‌ها

در تحلیل داده‌ها، به فراخور سطوح سنجش متغیرها، از آزمون‌های پارامتریک (T پیرسون، T- test و F- test) با استفاده از نرم افزار SPSS17 استفاده گردیده است. جدول شماره ۱، نوع متغیرها و نوع آزمون‌های آماری مرتبط با آنها را نشان می‌دهد.

### یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج تجربی در بخش تحلیل توصیفی تک متغیره، ۴۸/۴ درصد از کل دانش‌آموزان، دختر و ۵۱/۶ درصد آنان، پسر بوده‌اند. بیشترین تعداد دانش‌آموزان از رشته علوم انسانی (۲۷/۹ درصد) و کمترین آنها، از رشته فنی و حرفه‌ی (۱/۶ درصد) انتخاب شده‌اند.

## جدول ۱. شیوه ی تجزیه و تحلیل اطلاعات

متغیرهای مستقل	سطوح سنجش	متغیر وابسته	سطح سنجش متغیر	نوع آزمون
جنس	اسمی دو حالت	میزان دین مداری	فاصله یی	T-Test
پایه تحصیلی	اسمی چند حالت	"	"	One- Way ANOVA
رشته ی تحصیلی	اسمی چند حالت	"	"	"
شغل والدین	"	"	"	T-Test
درآمد خانواده	فاصله ای	"	"	r پیرسون
وضعیت اقتصادی	"	"	"	"
عوامل اجتماعی و فرهنگی	"	"	"	"
عامل سیاسی	"	"	"	"
عملکرد متولیان امور مذهبی	"	"	"	"

اغلب دانش آموزان در این تحقیق (۴۵/۶ درصد) در پایه سوم متوسطه، مشغول به تحصیل بوده و تنها ۵/۳ درصد از آنان، در دوره پیش دانشگاهی، تحصیل می کرده اند.

میانگین میزان تحصیلات پدر دانش آموزان، سوم راهنمایی و مادر آنان، اول راهنمایی بوده است. میانگین تعداد اعضای خانواده دانش آموزان نیز، حدود ۵ نفر بوده است. همچنین شغل پدر اکثر دانش آموزان، آزاد (۵۷/۶ درصد) و شغل اکثر مادران دانش آموزان (۹۰ درصد) خانه دار بوده است.

۸۵ درصد دانش آموزان، در منزلی که مالک آن بوده اند، سکونت داشته اند و حدود ۱۳ درصد در منزلی غیر از منزل متعلق به خودشان، سکونت داشته اند (مستاجر).

۸۵/۵ درصد دانش آموزان، اظهار داشته اند که نماز خواندن انسان را شاداب می کند. ۷۷ درصد دانش آموزان، عنوان کرده اند، زمانی که روزه هستند، احساس نزدیکی بیشتری نسبت به خدا می کنند.

۷۸/۱ درصد دانش آموزان، اعلام کرده اند که اغلب اوقات، در مراسم عزاداری ائمه، شرکت می نمایند.

۷۵/۸ درصد دانش آموزان، گفته اند که در روزهای عید قربان و عید فطر، زمانی را برای تبریک به بزرگترها، اختصاص می دهند.

۷۵/۱ درصد دانش‌آموزان، اظهار کرده‌اند که، در تأمین معاش، باید حلال و حرام شرعی را رعایت کرد.

۸۷/۸ درصد از دانش‌آموزان، به دعا و مناجات، اعتقاد دارند.

با جمع نمرات حاصله در خصوص میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، می‌توان گفت که بیشتر دانش‌آموزان دارای گرایش دینی متوسط به بالا بوده‌اند (پیوستار ۱).

۳                      ۴                      ۶                      ۸                      ۱۰



۷۷/۹۵ = میانگین گرایش دینی

پیوستار ۱. میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان

بر اساس نتایج تجربی در بخش تحلیل استنباطی دو متغیره که به آزمون فرضیه‌ها اختصاص دارد، فرضیه‌های تأیید شده و تأیید نشده در دو بند جداگانه آورده شده‌اند:

#### الف) فرضیه‌های تأیید شده

اولین فرضیه‌ی پذیرفته شده، عبارت است از اینکه، «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، به تفکیک جنس، متفاوت از هم است». با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ برای آماره  $T$ ، فرضیه اول مورد قبول واقع می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک دختر و پسر، به طور معنی‌داری متفاوت بوده و میزان گرایش دینی دختران، بیشتر از پسران بوده است (جدول ۲).

دومین فرضیه‌ی که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته، عبارت است از اینکه «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک نوع شغل مادرانشان، متفاوت از هم است». با توجه به این که سطح معنی‌داری آماره  $t$  به دست آمده (۰/۰۱۸)، از ۰/۰۵، کمتر است، فرضیه مذکور، تأیید می‌گردد؛ یعنی میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، به تفکیک نوع شغل مادرانشان، متفاوت از هم بوده و میانگین گرایش دینی دانش‌آموزانی که مادران خانه‌دار داشته‌اند، به طور معنی‌داری بیشتر از دانش‌آموزانی است که مادرانشان شاغل بوده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون تفاوت میانگین‌ها (جنسیت و نوع شغل و گرایش دینی دانش‌آموزان)

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
دختر	۲۱۰	۸۰/۵۷	۱۰/۸۱۸۶	۴/۱۴۹	۴۱۱/۰۴۴	/۰۰۰
پسر	۲۲۴	۷۵/۴۹	۱۴/۵۵			
جمع کل	۴۳۴	۷۷/۹۵	۱۳/۱۱۴۸			
نوع شغل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
خانه‌دار	۳۹۸	۷۸/۴۵	۱۳/۰۰۳	۲/۳۷۶	۴۲۲	۰/۰۱۸
شاغل	۲۶	۷۲/۱۷	۱۳/۷۱۷۲			
کل	۴۲۴	۷۸/۰۶	۱۳/۱۱۶۹			

سومین فرضیه‌ی تأیید شده در این پژوهش، عبارت است از اینکه «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک رشته تحصیلی آنان، متفاوت از هم است». با توجه به اینکه سطح معنی‌داری F محاسبه شده، از ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه مذکور، تأیید می‌شود. برای تعیین این موضوع که میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان کدام رشته با سایر رشته‌ها از نظر آماری، دارای تفاوت معنی‌دار است، از آزمون تعقیبی بنفرونی<sup>۱</sup> استفاده شد. نتیجه‌ی حاصل از این آزمون نشان داد که میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان رشته ریاضی، نسبت به دیگر رشته‌ها (به جز رشته فنی و حرفه‌یی)، به طور معنی‌داری کمتر است و میانگین سایر رشته‌ها در مقایسه با یکدیگر، دارای تفاوت معنی‌داری، نیستند (جدول ۳).

جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین‌ها (رشته تحصیلی - گرایش دینی)

رشته تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
اول عمومی	۹۹	۷۸/۵۹	۱۴/۴۴۰۱	۵/۱۸	۵	/۰۰۰
ریاضی و فیزیک	۲۵	۶۵/۷۱	۱۵/۱۳۱۱			
تجربی	۶۶	۷۶/۹۹۶	۱۳/۵۲۷۹			
انسانی	۱۲۱	۷۸/۷۱	۱۱/۵۷۹۸			
فنی و حرفه‌یی	۷	۷۵/۷۲	۱۷/۵۶۶۶۴			
کار و دانش	۱۰۰	۷۹/۸۱	۱۱/۲۳۳۶			
جمع کل	۴۱۸	۷۷/۸۵	۱۳/۱۹۰۳			

1- Bonferroni



چهارمین فرضیه‌ی که مورد تأیید واقع گردیده، عبارت است از اینکه، «بین میزان تحصیلات مادر و میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». این فرضیه که از طریق  $T$  پیرسون آزمون شده بود، نشان داد که همبستگی معکوسی بین دو متغیر مذکور وجود دارد. به این نحو که هرچه میزان تحصیلات مادر دانش‌آموزان مورد مطالعه بالا رود، به همان میزان از گرایش دینی فرزندانشان کاسته می‌گردد و برعکس (جدول ۴).

پنجمین فرضیه‌ی که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته، عبارت است از اینکه، «بین مذهبی بودن خانواده و گرایش دینی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». به عبارت دیگر، خانواده‌ها، در دوران کودکی و نوجوانی فرزندانشان، می‌توانند، در گرایش دینی آنان، تأثیرگذار باشند. یعنی اگر والدین خود دانش‌آموزان، مذهبی باشند و فرزندان خود را به خواندن نماز و گرفتن روزه و انجام سایر واجبات دینی تشویق نموده و در مراسم مذهبی به همراه فرزندان خود شرکت نمایند، بر گرایش دینی فرزندانشان تأثیر مثبتی خواهند داشت و برعکس (جدول ۴).

ششمین فرضیه‌ی که در این پژوهش مورد تأیید واقع گردیده، این است که «بین میزان درآمد ماهیانه خانواده‌ی دانش‌آموزان و گرایش دینی آنان، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». نتیجه نشان داد که نبود درآمد کافی و بی‌ثباتی در امور معیشتی خانواده، می‌تواند از ارزش امور دینی در میان اعضا بکاهد. همچنین خانواده‌هایی که از لحاظ مالی تقریباً در وضعیت نسبتاً مطلوبی به سر می‌برند، به جهت عدم دغدغه مالی، می‌توانند در گرایش فرزندانشان نسبت به رعایت انجام امور دینی، موفق عمل نمایند (جدول ۴).

هفتمین فرضیه‌ی مورد تأیید این تحقیق عبارت است از اینکه «بین عامل‌های اجتماعی و فرهنگی و گرایش دینی دانش‌آموزان، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». منظور از عامل‌های اجتماعی و فرهنگی این است که فضای حاکم بر جامعه (جو هنجاری جامعه) در چه وضعیتی است؟ آیا وضعیت هنجاری جامعه دین‌گريزانه است یا دین‌گرایانه؟ و کلاً نگرش عموم به مذهب و مذهب‌یون در حکم تأیید است و یا تمسخر و ... نتیجه‌ی یافته‌ها نشان داد که عامل‌های اجتماعی و فرهنگی، نقش به‌سزایی در میزان گرایش دینی دانش‌آموزان داشته‌اند. به عبارتی اگر جامعه، افراد دین‌مدار را تأیید نماید و دینداران به نوعی از پایگاه اجتماعی بالایی در بین مردم برخوردار باشند، در این صورت حرکت به سوی دین‌مداری در بین جوانان و

دانش‌آموزان، تشدید خواهد گردید و بر عکس، اگر جامعه به نوعی افراد دین‌گرا را در حالت انزوا قرار داده و آنان پایگاه اجتماعی خود را از دست بدهند، در این صورت، تأثیر منفی بر گرایش دینی دانش‌آموزان خواهند داشت. نتیجه‌ی یافته‌ها، با استفاده از آزمون پیرسون، فرضیه مذکور را تأیید کرد (جدول ۴).

هشتمین فرضیه‌ی مورد تأیید، عبارت است از اینکه «بین عامل سیاسی و میزان گرایش دینی آنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». نتیجه‌ی تحقیق با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، نشان داد که عامل سیاسی یکی از فاکتورهای تأثیرگذار در امر گرایش دینی دانش‌آموزان می‌باشد. به عبارتی هرچه منتخبین مردم، به فکر مردم بوده و با صداقت در بین آنان ظاهر شده و در عمل، عامل به گفته‌های خود باشند، دانش‌آموزان نیز که مراحل حساس جامعه‌پذیری خود را می‌گذرانند، به این امر مهم (دین‌گرایی) حساس شده و آن را در وجود خود، نهادینه خواهند ساخت. در صورتی که خلاف این امر اتفاق بیافتد، از میزان گرایش دینی آنان، کاسته خواهد شد (جدول ۴).

نهمین فرضیه‌ی مورد تأیید این تحقیق عبارت است از اینکه، «بین عملکرد متولیان امور مذهبی و میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، رابطه معنی‌داری وجود دارد». نتیجه‌ی یافته‌ها، نشان داد که هرچه متولیان امور مذهبی در کار خود صداقت به خرج داده و با موشکافی دقیق امور دینی، پاسخگوی نیازهای نسل جوان دانش‌آموزی باشند، به همان اندازه، دانش‌آموزان را در مسیر گرایش دینی قرار خواهند داد و اگر، خود، عامل به گفته‌هایشان نباشند، نه تنها پایگاه خود را در بین دانش‌آموزان از دست خواهند داد، بلکه در میزان دین‌گرایی آنان نیز، تأثیر منفی خواهند گذاشت (جدول ۴).

جدول ۴. آزمون I پیرسون (بررسی رابطه بین متغیرها)

رابطه بین متغیرها	شدت همبستگی	سطح معنی داری
سطح تحصیلات مادر - گرایش دینی	-/۱۰۲	/۰۳۸
مذهبی بودن والدین - گرایش دینی	۰/۴۶۱	۰/۰۰۰
میزان درآمد - گرایش دینی	-۰/۱۱۲	۰/۰۳
عامل‌های اجتماعی و فرهنگی - گرایش دینی	/۵۲۳	۰/۰۳
عامل‌های سیاسی - گرایش دینی	۰/۱۶۹	۰/۰۰۰
عملکرد متولیان امور مذهبی - گرایش دینی	/۵	۰/۰۰۰

## ب) فرضیه‌های تأیید نشده

اولین فرضیه تأیید نشده، عبارت است از اینکه «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک پایه تحصیلی آنان، متفاوت از هم است». بر اساس نتیجه‌ها، بیشترین میزان گرایش دینی مربوط به پایه دوم و کمترین آن، مربوط به دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است. برای تعیین اینکه آیا تفاوت میانگین‌های فوق، از نظر آماری معنی‌دار است یا نه؟ آزمون آنالیز واریانس انجام گرفت. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون  $F$ ، از  $0/05$ ، بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان، به تفکیک پایه‌های مختلف تحصیلی، تفاوت معنی‌داری از هم ندارند ( $Sig=0/4$  و  $df=3$  و  $F=0/873$ ).

دومین فرضیه تأیید نشده، عبارت است از اینکه «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک ناحیه محل تحصیل آنان، متفاوت از هم است». بر اساس یافته‌ها، میزان گرایش دینی دانش‌آموزان ناحیه ۲ ارومیه، اندکی بیش از میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان ناحیه ۱ است. برای اینکه مشخص شود، تفاوت میانگین‌ها، معنی‌دار است یا نه؟ از آزمون  $T$  برای نمونه‌های مستقل، استفاده شد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره محاسبه شده، از  $0/05$ ، بیشتر است، فرضیه مذکور تأیید نمی‌شود ( $Sig=0/2$  و  $df=423$  و  $T=-1/094$ ).

سومین فرضیه تأیید نشده، عبارت است از اینکه «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، به تفکیک شغل پدر آنان، متفاوت از هم است». برای آزمون فرضیه مذکور، از آزمون  $t$ ، برای نمونه‌های مستقل، استفاده گردید. نتایج نشان داد هر چند که میانگین گرایش دینی دانش‌آموزانی که پدرانشان کارمند بوده، از میانگین گرایش دینی دانش‌آموزانی که پدرانشان شغل آزاد داشته‌اند، بیشتر بوده است، اما این تفاوت، از لحاظ آماری، معنی‌دار نبوده است (عدم تأیید فرضیه) ( $Sig=0/3$  و  $df=414$  و  $T=1/001$ ).

چهارمین فرضیه تأیید نشده، عبارت است از اینکه «میزان گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک نوع مسکنی که در آن سکونت دارند، متفاوت از هم است». با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده ( $0/599$ ) که از  $0/05$  بیشتر است، فرضیه مذکور، به تأیید نرسید ( $Sig=0/5$  و  $df=432$  و  $T=0/527$ ).

پنجمین فرضیه تأیید نشده، عبارت است از اینکه «بین میزان تحصیلات پدر دانش‌آموزان مورد مطالعه و میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، رابطه معنی‌داری وجود دارد». برای آزمون رابطه بین متغیرهای مذکور، به دلیل ماهیت کمی آنها، از آزمون  $T$  پیرسون استفاده شد که فرضیه مذکور، به دلیل بیشتر بودن سطح معنی‌داری محاسبه شده، از  $0/05$ ، تأیید نشد ( $Sig=0/09$ ).

ششمین فرضیه تأیید نشده، عبارت است از اینکه «بین میزان گرایش دینی دانش‌آموزان و تعداد اعضای خانواده آنان، رابطه معنی‌داری وجود دارد». برای آزمون رابطه دو متغیر تعداد اعضای خانواده با متغیر میزان گرایش دینی دانش‌آموزان، از آزمون پیرسون استفاده شد. به دلیل بیشتر بودن سطح معنی‌داری به دست آمده از  $0/05$ ، فرضیه مذکور، به تأیید نرسید ( $Sig=0/8$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

بحث دین و گرایش دینی در اعصار و قرون مختلف، مدنظر اندیشمندان بوده و کتاب آسمانی ما، یعنی قرآن نیز، کلیه اصول زندگی را بر محور دین به روشنی بیان ساخته است، به همین خاطر در تحقیق حاضر، به گرایش دینی دانش‌آموزان و عامل‌های تأثیرگذار بر آن، پرداخت شده و برای تبیین آن، از تئوری‌های مختلفی استفاده گردیده بود که در بخش‌های قبلی، اشاره شد. سؤال اصلی این بخش این است که کدام تئوری‌ها و نتیجه‌ی یافته‌های پیشین با نتیجه‌ی تحقیق حاضر، همخوانی داشته و به عبارتی قابل کاربرد در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه است؟ بدین منظور تلاش شده است نتیجه‌های به دست آمده از تحقیق حاضر را با نتیجه‌های تحقیقات قبلی و دیدگاه‌های مختلف و همچنین تئوری‌های مورد استفاده، مقایسه کرده و کاربردی بودن آنها را در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، مشخص سازیم.

از نظریه دی.بی.او.چنین بر می‌آید که عوامل روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی در گرایش به دین تأثیر دارند. همچنین با کاربردی کردن تئوری‌های فازیو و بیم می‌توان گفت که کسب اطلاعات از فضای حاکم بر جامعه در خصوص دین‌گرایانه یا دین‌گریزانه بودن آن، بر گرایش دینی مؤثر می‌باشد. نتیجه‌ی تحقیق حاضر با محتوای نظری تئوری‌های یاد شده همخوانی دارد، بنابراین تئوری‌های مذکور قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشند.

نکته قابل توجه در نتیجه‌ی تحقیق حاضر این است که اولاً بر اساس نتیجه‌ها، رابطه بین میزان تحصیلات مادر و گرایش دینی دانش‌آموزان مورد مطالعه، معکوس و معنی‌دار بوده است و ثانیاً در مقام مقایسه، دانش‌آموزانی که مادرانشان شاغل بوده است، نسبت به دانش‌آموزانی که مادرانشان شاغل نبوده است، از گرایش دینی کمتری برخوردار بوده‌اند. در ارتباط با نتیجه‌ی اولی می‌توان گفت که انتظار بر این است که با بالا رفتن سطح تحصیلات مادران، میزان هم‌نوایی فرزندان‌شان با هنجارهای اجتماعی و مذهبی بالاتر رود، ولی در تحقیق حاضر عکس این امر مشاهده شده است. علت این امر شاید مرتبط با این قضیه باشد که چون در نمونه‌گیری نمی‌توان تمامی متغیرها را کنترل کرد. فلذا این احتمال هست که نتیجه بر عکس شود. و یا شاید نتیجه حاصله مرتبط با تغییر نگرش‌های دینی افراد تحصیل کرده در خصوص امور دینی باشد که در هر حال بایستی تحقیق جداگانه‌یی برای روشن شدن این موضوع با تأکید بر کنترل متغیر تحصیلات والدین به روش آزمایشی و یا هر روش دیگر صورت گیرد. به هر حال بالا بردن سطح دانش برای تمامی والدین ضروری است. بر همگان، مبرهن است که مادران تحصیل کرده در پرورش فرزندان خود موفق‌ترند. بنابراین ضروری است، مادر دانش‌آموزان، به این نکته مهم توجه نمایند که یکی از مهمترین وظیفه‌ی آنان، پرورش و تربیت فرزند می‌باشد و اگر تحصیل کرده‌اند و یا در حال تحصیل هستند، باید وقت کافی را به امور ارزشی و دینی فرزندان‌شان، مصروف سازند.

اما در ارتباط با مورد دوم، به نظر می‌رسد مادران شاغل به جهت اختیار نقش‌های متعدد و نداشتن تقریباً نقش واحد در محیط خانواده، نسبت به غیر شاغلین، کمتر فرصت می‌کنند که به امور دینی فرزندان‌شان برسند. یعنی به جهت متقاضیات زندگی ماشینی و پیچیدگی زندگی امروزی، احتمال دارد، مادران شاغل از تربیت فرزندان‌شان غافل بمانند. بنابراین بر اساس نتیجه‌های حاصله نمی‌توان این نتیجه را داشت که مادران تحصیل‌کنندگان و یا شغلی را برای فعالیت‌های بیرون از خانواده اختیار نمایند، بلکه بایستی مادران عزیز در کنار فعالیت‌های بیرون از خانواده نظیر اختیار شغل، بایستی اولویت اساسی را به تربیت فرزندان‌شان اختصاص بدهند؛ چرا که فعالیت در عرصه‌های عمومی زمانی می‌تواند مفید باشد که از ماحصل آن، دانش و آگاهی کسب شده توسط مادران، در خدمت تربیت فرزندان‌شان قرار گیرد.

از دیگر نتیجه‌های تحقیق این بود که میانگین گرایش دینی دانش‌آموزان به تفکیک دختر و پسر، به طور معنی‌داری متفاوت بوده و میزان گرایش دینی دختران، بیشتر از پسران بوده است. دلیل این امر را می‌توان در این نکته جستجو کرد که اولاً دانش‌آموزان دختر، کمتر از دانش‌آموزان پسر، در محیط‌های خارج از خانه قرار می‌گیرند. ثانیاً در جامعه‌ی ما از طرف خانواده‌ها، کنترل بیشتری از هر حیث، بر روی دختران اعمال می‌شود. به هر حال از اقتضائات جامعه‌ی امروز این است که در مقایسه با گذشته، دختران و پسران در عرصه‌های عمومی فعالیت بیشتری داشته باشند، بنابراین پیشنهاد می‌شود، اهرم‌های کنترلی خانواده بر روی دختران و پسران و ارشاد آنها بیش از پیش در دستور کار آنان قرار گیرد. زیرا دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی‌شان، دوران جامعه‌پذیری را سپری می‌نمایند و اگر والدین می‌خواهند هنجارهای دینی را در فرزندان خود نهادینه شده ببینند، بایستی در تعامل با مدرسه، روش‌های صحیح رفتاری را به فرزندانشان بیاموزند تا از هر گونه لغزش احتمالی، جلوگیری به عمل آید. بر والدین فرض است فرزندان خود را به خواندن نماز و گرفتن روزه و انجام سایر واجبات دینی تشویق نمایند و در حد امکان سعی کنند؛ در مراسم مذهبی شرکت کرده و فرزندان خود را هم در آن شرکت دهند، تا فرزندانشان، عملاً، اهمیت مراسم مذهبی را دریابند. نتیجه‌ی آزمون I پیرسون نشان داد که عامل‌های اجتماعی و فرهنگی نقش حیاتی در میزان دین‌مداری دانش‌آموزان دارند. به عبارتی اگر جامعه افراد علاقمند به دین را تأیید نماید و دینداران، احساس کنند که در جامعه، از حرمت اجتماعی برخوردارند، به احتمال قریب به یقین، در میزان دین‌گرایی دانش‌آموزان، تأثیرگذار خواهند بود. بنابراین، بایستی، اهرم‌های تأثیرگذار در جامعه، از جمله صدا و سیما و ...، رسالت واقعی خود را دریابند و در این خصوص، اقدامات مقتضی را به عمل آورند.

یکی از روش‌های مؤثر تأثیرگذاری والدین روی گرایش دینی فرزندانشان این است که خود والدین عامل به امور دینی باشد. حسن کار در این است که فرزندان با مشاهده‌ی چنین رفتارهایی به طور غیرمستقیم، پرداخت به امور دینی را در وجود خود نهادینه خواهند ساخت. امروزه، جهان آستان تغییرات بسیاری است؛ به طوری که جهانی شدن نیز، روند تغییرات اجتماعی و فرهنگی را تشدید کرده است، بنابراین ضروری است متولیان امور مذهبی با تفسیر به روز دین و امور مذهبی، پاسخگوی سؤالات دینی و مذهبی جوانان باشند.

### پیشنهادات پژوهشی

مقایسه میان سیستم سنتی آموزش‌های دینی و شیوه‌ی آموزش‌های فعلی آموزش و پرورش بررسی عامل‌های مؤثر بر گرایش دینی دانش‌آموزان از دیدگاه کارشناسان امور دینی و پرورشی در مقاطع تحصیلی راهنمایی و متوسطه.

### محدودیت‌های تحقیق

نتیجه‌ی تحقیق حاضر، قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در شهر ارومیه می‌باشد؛ لذا از تعمیم نتیجه‌های مذکور به سایر شهرها و استان‌ها، بایستی جانب احتیاط را رعایت نمود. با توجه به اینکه در انجام یک تحقیق نمی‌توان کلیه متغیرهای زمینه‌یی را کنترل کرد، فلذا در این تحقیق نیز بعضی از متغیرها نظیر رشته تحصیلی، نوع شغل و متغیر تحصیلات مادر کنترل نشده بودند. و این احتمال هست که نتیجه‌های حاصله مخدوش گردند. بنابراین برای احراز صحت نتیجه‌های حاصله در خصوص متغیرهای یاد شده بهتر است احتیاط لازمه صورت پذیرد.

### منابع

- بلالی، اسماعیل (۱۳۷۷). سنجش گرایش دینی دانش‌آموزان روزانه‌ی شهر تبریز و بررسی نقش یادگیری در آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- جدبایی بهبهانی، زینب (۱۳۸۵). نقش شبکه‌های فردی در شکل‌گیری گرایش دینی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی.
- خراطیان خامنه، حسن (۱۳۸۳). بررسی میزان گرایش دینی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). «سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- سراج‌زاده، سیدحسین و مهناز توکلی (۱۳۸۰). بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، نامه‌ی پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، سال پنجم: صص ۱۸۸-۱۵۹.
- صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۷۳). بررسی نگرش‌های سیاسی مذهبی جوانان ذکور تهرانی (۱۷ تا ۲۲ سال) و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن، دانشگاه تربیت مدرس، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- فردرو، محسن و رضوانی، اصغر (۱۳۸۱). دولت، مردم و همگرایی (مشارکت، توسعه و زمینه‌های گسترش مشارکت سیاسی)، منتخب مجموعه مقالات گردهمایی دولت و مشارکت مردمی، جلد دوم، تهران: آن.
- فضایی، یوسف (۱۳۵۳). بنیان‌های اجتماعی دین، تهران: چاپار.
- قاضی طباطبائی، محمود و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۷۶). بررسی و مطالعه‌ی گرایش به باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان نوجوانان شهر اردبیل، واحد پژوهش و تحقیقات استاندارد.



کرچ دیوید، کراچفیلد ریچارد و بلاکی اجرتون (۱۳۷۴). *فرد در اجتماع*، ترجمه محمد رضائی، تهران: انتشارات فرانکلین.

کلاین‌برگ، اتو (۱۳۵۱). *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران: فرانکلین.

کوزر، لوئیس (۱۳۶۸). *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

گوستاویونگ، کارل (۱۳۵۲). *روانشناسی و دین*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

مرجایی، سید هادی (۱۳۸۰). بررسی اعتقادات دینی و جهت‌گیری سکولاریستی و بنیادگرایی در بین جوانان دانشگاهی، نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، سال پنجم: صص ۱۸۸ - ۱۵۹.

ملکی، امیر (۱۳۷۵). *بررسی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان ذکور تهران*، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.

یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۳). *روش‌شناسی دین، مجله‌ی فرهنگ و توسعه*، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، سال سوم، مهر و آبان.

Adamczyk, A. (2009). Socialization and Selection in the Link between Friends' Religiosity and the Transition to Sexual Intercourse, *Sociology of Religion*. Washington: Spring 2009. 70 (1), 5-27.

Alwi, A. (2003). *Intrafamilial relationship, parental behaviour and religiosity in youth violence among Malay males*. Unpublished Master's thesis, International Islamic University Malaysia, Kuala Lumpur.

Cornawall, M., & Tomas, D. L. (1990). Family, religion, and personal communities: Examples from Mormonism. *Marriage and Family Review*, 15, 229-252.

Erickson, J.A. (1992). Adolescent religious development and commitment: A structural equation model of the role of family, peer groups, and educational influences. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31, 131-152.

Hedstrom, P.(2005), *Dissecting the Social on the principles of Analytical Sociology*, Cambridge press.

- Hood, R. W., JR., Spilka, B., Hunsber, B., & Gorsuch, R. (1996). *The psychology of religion: An empirical approach* (2nd ed.). London: The Guilford Press.
- Loewenthal, K. M. & Cinnirella, M. (1999). Different Cultural-Religious Groups in Great Britain Interventions for Depression and Schizophrenia among Women Beliefs about the Efficacy of Religious, Medical and Psychotherapeutic, *Transcultural Psychiatry*, 36, 491-504.
- Luckman, T.(1967). *The invisible religion*. NewYork: Mac Milan.
- Shah, A. A. (2004). Self-Religiosity, Father's Attitude and Religious Education in the Moral Behaviour of Adolescents, *Psychology Developing Societies*, 16, 187(<http://pds.sagepub.com>).
- Urry, J. (2000). *Sociology Beyond Societies*, Mobilization for Twenty first Century, london & Newyork. Routledge.

